

## اعتقاد به موعود زنده موجب پویایی سنت و مانع فروغلتیدن در خرافات است

اعتقاد به موعود زنده موجب پابرجا ماندن سنت و پویایی آن است و به جای بدل کردن موعود به يك اسطوره فراواقعی که ممکن است با خرافات همراه شود، واقعیتی را می‌پذیرد که می‌تواند اثراتی مثبت و واقعی را در زندگی انسان‌ها پدید آورد.



اعتقاد به موعود زنده موجب پابرجا ماندن سنت و پویایی آن است و به جای بدل کردن موعود به يك اسطوره فراواقعی که ممکن است با خرافات همراه شود، واقعیتی را می‌پذیرد که می‌تواند اثراتی مثبت و واقعی را در زندگی انسان‌ها پدید آورد.

سیدرضی موسوی گیلانی، عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب و سردبیر مجله عربی &#171;الموعود&#171؛ در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بحث در باب رویکردهای تاریخی، کلامی، عرفانی و کارکردی مهدویت پرداخت و گفت: بحث در باب مهدویت در قالب هر کدام از رویکردهای مختلف تاریخی، کلامی، عرفانی و کارکردی براساس مبانی و به روشی متفاوت انجام می‌شود، اما مباحث هر حوزه می‌تواند هم‌پوشانی‌هایی با سایر حوزه‌ها داشته باشد و مبانی ارائه شده در آن حوزه‌ها را تأیید کند.

موسوی گیلانی افزود: در عین حال با تأکید بر توجه به آمیختگی‌های روش‌شناختی، از آن‌جا که مبحث مهدویت مبحثی دینی است، گاه به دلیل عدم کفایت يك روش برای ایجاد پذیرش در افراد و یا به دلیل وارد آمدن شبهات از نظرگاهی متفاوت با رویکرد ارائه شده، می‌توانیم به دلایلی با رویکردی متفاوت گذر کنیم، اما باید از آمیختگی روش‌شناختی پرهیز کرد.

وی تصریح کرد: روش تاریخی بحث درباره مهدویت، روشی عمومی است که امکان گفت‌وگو با هر فکر و عقیده‌ای را دارد. تاریخ، علمی فرادینی است که پذیرش داده‌های آن نیازی به التزام به عقیده خاصی ندارد و اگر اولویت ما عمومیت بخشیدن به بحث مهدویت باشد، رویکرد تاریخی، رویکردی مهم‌تر و اثرگذارتر خواهد بود، چرا که محدودیت‌ها و پیش‌فرض‌های رویکردهای کلامی و عرفانی را به همراه ندارد.

این عقیده که در هر دوره‌ای همواره انسانی کامل باید وجود داشته باشد که خداوند توسط او به دیگران برکات خودش را فیضان کند، نگاهی است که هم در اهل تسنن و هم تشیع وجود داشته است و بر اساس این اعتقاد زمین هیچ‌گاه از انسان کامل و حجت خدا خالی نخواهد بود.

موسوی گیلانی با اشاره به گزارش تاریخی شیعه از زندگی امام زمان (عج) گفت: بنا به دلایل تاریخی و براساس کتاب‌هایی که در قرون اولیه نوشته شده، پسری از سلسه ائمه (ع) متولد شده است و افرادی شاهد ولادت او بوده‌اند. ایشان پس از شهادت پدرش به طور موقت از میان مردم غیبت می‌کنند و عده‌ای هم در همان دوران، با ایشان در ارتباط بوده‌اند و پس از آن هم غیبت ایشان به مرحله‌ای دیگر وارد شده است که تاکنون ادامه دارد.

عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به علی‌السویه بودن نگاه کلامی در مقابل دلایل تاریخی عنوان کرد: دیدگاه تاریخی مبتنی بر مستندات تاریخی و منقولاتی است که به دست ما رسیده است. در صورت کفایت شواهد تاریخی، دیگر اعتقادات کلامی یا مفروضات پیشین فرد در مقابل سند تاریخی و وجود تاریخی رنگ می‌بازد. در واقع روش‌شناسی تاریخی ما را متعهد می‌کند که مورد تاریخی را - چه اعتقادی به آن داشته باشیم و چه نداشته باشیم - بپذیریم؛ یعنی اگر ما بتوانیم براساس مستندات تاریخی امری را اثبات کنیم، احتیاجی به وفاداری به دلایل کلامی و یا عرفانی نیست، اگر چه استفاده از این گونه دلایل نیز بلامانع است.

وی با بیان این که استفاده از رویکردهای دیگر عموماً از محدودیت‌های نگاه تاریخی برمی‌خیزد، اظهار کرد: ذات علم تاریخ چنین است که همیشه شواهدی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که به نفع نظرات خود از آن استفاده کنند، به همین دلیل گفته می‌شود که علم تاریخ، علمی زمینی و ظنی است و هیچ‌گاه صددرصد نیست؛ به این معنا که ممکن است فردی ادعا کند که ما از دیدگاه تاریخی مستندات قوی و فریبه نداریم که بتواند وجود تاریخی امام زمان (عج) را اثبات کند. در اینجا و در مواجهه با این فرد پای دلایل کلامی به میان می‌آید و می‌توانیم به مستندات درون‌دینی رجوع کنیم.

سردبیر مجله عربی &#171;الموعود&#171؛ با اشاره به مواضع تشیع و تسنن در مبحث مهدویت خاطر نشان کرد: هم شیعه و هم سنی با نگاهی مثبت‌اندیشانه به ظهور يك منجی در پایان تاریخ و سرنوشت نیک انسان و ایجاد جامعه‌ای صالحانه معتقدند، اما تفاوت این دو مذهب در این است که شیعیان به دلیل اعتقاد به امامت خاصه، مصلح و منجی را تولد یافته می‌دانند و اهل تسنن که امامت خاصه را نمی‌پذیرند، معتقد به امامت عام و مهدویت نوعی‌اند و برآنند که منجی در آخرالزمان متولد خواهد شد.

موسوی گیلانی با بیان این که هم رویکرد شیعه و هم رویکرد اهل سنت می‌تواند با تکیه بر آیات و به خصوص روایات به رویکردی عرفانی در باب مهدویت راه برد، اظهار کرد: این عقیده که در هر دوره‌ای همواره انسانی کامل باید وجود داشته باشد که خداوند توسط او به دیگران برکات خودش را فیضان کند، نگاهی است که هم در اهل تسنن و هم تشیع وجود داشته است و براساس این اعتقاد زمین هیچ گاه از انسان کامل و حجت خدا خالی نخواهد بود.

وی با بیان این که پذیرش دلایل عرفانی در گرو پذیرش پیش‌فرض‌های این پارادایم است، مفهوم &#171;حقیقت محمدیه&#171; را در ادبیات عرفانی مورد توجه قرار داد و عنوان کرد: بنا بر اعتقاد شیعه، &#171;حقیقت محمدیه&#171;، به عنوان اولین تعیین خداوند پس از تجلی، در وجود مقدس نبی اکرم(ص) در سلسله امامت جاری شده و همچنان واسطه فیض الهی است.

موسوی گیلانی به آثار یکی از مستشرقان در حوزه مهدویت اشاره کرد و گفت: هانری کربن، اندیشمند فرانسوی، که کارهای فراوانی در حوزه معارف شیعه و معرفی آن در غرب انجام داده است، در کتابی با عنوان &#171;Crash&#171; (غیبت) این مطلب را بیان کرده است که اعتقاد به یک ولی و منجی زنده به دلیل حضور و زیستنش در میان مردم، امکان ارتباط من - تویی را با او فراهم می‌کند.

وی با اشاره به کارکرد چنین اعتقادی خاطرنشان کرد: اعتقاد به موعود زنده مانع انفصال سنت و موجب پابرجای ماندن سنت است و با پدید آوردن یک ارتباط من - تویی میان پیروان و ولی موجب پویایی در سنت و پیروان آن خواهد شد. در نتیجه، اعتقاد به منجی و موعود زنده به جای بدل کردن او به یک اسطوره فراواقعی که ممکن است با خرافات همراه شود، واقعیتی را می‌پذیرد که می‌تواند اثراتی مثبت و واقعی را در زندگی انسان‌ها پدید آورد.